بسم الله الرحمن الرحیم

بنام ایزد بخشاینده بخشایشگر

آنکه بر لوح زبانها حرف اول نام او
دیباچهٔ فرهنگ خود از حمد بیارایم

آن همی گوید الا این ایزد آن بنگر
تا سر ورقی گیرد از آن قیمت دیباج

حمد بیحد و سپاس بیقیاس مر صانعی را سزاوار است که کاخ دماغ صدر نشینان محفل سخن دانی را بنقوش خیالات رنگارنگ و نقش
مانی ساخت و شبستان حروف و کلمات را بدوشیزگان معانی گوناگون چون بهار چین آراست بیت ای حیرت صفات تو بندهٔ زبان
انگشت حیرتست زبان دهان ما حکمای بلاغت کیش حلقهٔ مثال سر عجز بر [illegible] نهاده اند و شعرای فصاحت اندیش بکلید زبان
از گشودن قفل تعریفش نباتوانی مقر و معترف آمده بیت [illegible] حرف احون حلقه بر در بستهٔ ای عجز ٭ من چگویم چون لغتها از حروف معجم
و نثار درر و دیگران بر روان خاصان شهرستان وجود که هر یک از ایشان گنجور جواهر زواهر معانی و دستور آیین سخن دانی اند علی الخصوص
آن مهتر دبیم عرش اورنگ سپهر لوح صحیفهٔ عقل و فرهنگ محبوب حضرت صمدیت مقبول بارگاه احدیت قدوهٔ انبیا و اولیا قافلهٔ سالاران
اتقیا و اصفیا دانندهٔ حقایق اشیا کاشفی علل غایی موجودات از ماه تا ماهی محرم اسرار الهی رباعی
امی لقبی کز انبیا اعلم بود ٭ احمد نامی که سرور عالم بود ٭ زان سایه باو نبود همراه که بود ٭ محرم جایی که سایه نامحرم بود
و بر آل و اصحاب او باد اما بعد نگارندهٔ این کتاب و گزارندهٔ این ابواب ابن فخر الدین حسن جمال چرمین انجو چنین گوید که از عنفوان شباب
مرا رغبت وصل تمام بخواندن و مطالعهٔ اشعار قدما بود و در صحبت یاران و دوستان شیرازی قاتم صرف مذاکره و دادن استفاده ایشان
میگشت چون اکثر اشعار ایشان مشتمل بود بر لغات پارسی پهلوی و دری و اصطلاحات و غیرهم ناچار بکتب لغات پارسی که آنرا فرهنگ نخوانند رجوع
می افتاد بسالغت و اصطلاح در اشعار قدما یافته می شد که در هیچ فرهنگی نبود و آنچه بود اختلاف و اختلال بسیار داشت چه صیرفیان پیشه
دانش و فرهنگ در تحقیق و تنقیح نقد لغات و اصطلاحات خبط بسیار نموده میان لغت پارسی و عربی تفرقه نکرده بودند بنابرین مقصود
بحصول نمی پیوست و مطالب ضروری مهمل می ماند لهذا داعیه ترتیب کتابی درین فن شریف مرکوز خاطر فاتر گردید از
نظم و نثر هر لغت غیر مشهوره که بنظرم میرسید در غرر و چند درج می نمودم مختصر کلام آنکه قریب یک قرن که مدت سی سال است بعضی
از اوقات و برخی از عمر را صرف تحقیق لغات پارسی پهلوی و دری و اصطلاحات و غیرهم کردم شعر
بسی رنج بردم درین سال سی ٭ عجم زنده کردم بدین پارسی ٭ زمن گشت دست فصاحت قوی ٭ بر داختم دفتر پهلوی
از بسیار تتبع و تفحص چندان لغات و مصطلحات بهم رسید که هیچ صاحب فرهنگی را دست نداده بود و لیکن ترتیب آن بسبب موانعی که
ذکر آن موصل بر زیادهٔ فایده نیست در حیز تاخیر بود از غایت تتبع مهارتم درین فن بمرتبهٔ رسید که کم لغتی و مصطلحی ماند که بیشتر آنش

الله اکبر

مسود این اوراق جمال الدین حسین انجو المخاطب بعضد الدوله برین تالیف گذشته حسب المقدور
آنرا تصحیح نمود بموجب امر نواب سیادت نجابت پناهی ملاذی امیدگاهی مرتضوی انتسابی خان رفیع القدر المکان
میرضاء الدین مخاطب بمصطفی خان که فقیر را بخدمت ایشان نسبت اخوت جبلی ثابت و متحقق است
در دار السلطنه آگره فی سنه ۱۰۲۸ هجری در ماه جمید الاول این کتاب شرف اتمام یافت

#1149

کتابخانه